

دفاع مشروع و پژوهش سلول‌های بنیادین جنینی

فاطمه طاهرخانی^۱

چکیده

پژوهش سلول‌های بنیادین جنینی نمودی از پیشرفت حیرت‌انگیز عرصه پزشکی و دستاوردهای علمی محسوب می‌شود که به درمان بسیاری از بیماری‌ها کمک می‌نماید. با توجه به آثار مهم حقوقی تجزیه و تحلیل آن از این حیث حایز اهمیت فراوان است. یکی از نظریات مطرح‌شده برای توجیه نمودن این پژوهش‌ها نظریه دفاع از خود پزشکی است که مدعی است هنگامی که بیماری به عنوان مهاجم به انسان حمله می‌نماید و هیچ راه چاره‌ای برای فرار از این خطر وجود ندارد همانند دفاع مشروع سنتی در حقوق کیفری، انسان می‌تواند به تخریب و از بین بردن منبع تهدید متوسل شده و در واقع از حق زندگی و حیات خود دفاع نماید. بنابراین هر نوع پژوهش برای پیشبرد روش‌های مقابله با بیماری‌های لاعلاج طبق این نظریه مشروعیت می‌یابد. با توجه به این که در پژوهش سلول‌های بنیادین جنینی، جنین به عنوان شخص ثالث، نابود می‌شود در حالی که در دفاع مشروع سنتی انسان مجاز به از بین بردن شخصی غیر از مهاجم نیست. فلذا مبانی این تئوری قابل مناقشه به نظر رسیده ضمن این که با حفظ کرامت جنین انسان در تضاد می‌باشد.

واژگان کلیدی

پژوهش؛ سلول بنیادین جنینی؛ بیماری؛ درمان؛ دفاع مشروع

۱. کارشناس ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع)

دفاع مشروع و پژوهش سلول‌های بنیادین جنینی

پژوهش سلول‌های بنیادین جنینی^۱، منادی پیشرفت فوق‌العاده و حیرت‌انگیزی در عرصه پزشکی است که روزی به درمان بسیاری از بیماری‌های نابود کننده که گریبان‌گیر انسان‌هاست، کمک می‌کند.^۲ پژوهش سلول بنیادین به طور بالقوه این توانمندی را دارد که به دانشمندان کمک می‌کند تا مکانیزم ایجاد سلول را دریابند و مدل مؤثری برای درمان بیماری در انسان با پژوهش تأثیر و ایمنی آن به طور بدوی در لاین حیوانی آن ایجاد کنند. با توجه به این که سلول‌های بنیادین می‌توانند از پوست، چشم، قلب و دیگر اندام‌ها استخراج شوند پژوهش‌های بیشتر دانشمندان آن را قادر ساخته که از آن برای ایجاد ارگان‌ها و بافت‌های بدن توسط پیوند این سلول‌ها، استفاده کنند. علی‌رغم هدف و تعهد این پژوهش که کمک به درمان بیماری و بالابردن امید به زندگی و سطح رفاه بشر است، مع‌الوصف از زمانی که این تکنولوژی ایجاد شد موضوع مناظرات و بحث‌های قابل توجهی بوده است. بیشتر این بحث‌ها نیز به مقام و شأن اخلاقی جنین‌های انسانی مربوط می‌شود. سلول‌های بنیادین جنینی به وسیله استخراج سلول‌ها از یک جنین تقریباً پنج روز بعد از لقاح انجام می‌شود.^۳ این جریان به جنین‌ها آسیب می‌رساند.^۴ البته دانشمندان اخیراً به تکنیکی دست یافته‌اند که سلول‌های بنیادین از سلول‌های پوست افراد بزرگسال استخراج می‌شود که پژوهشگر آن را قادر می‌سازد بدون از بین بردن جنین به درمان از طریق سلول بنیادین مبادرت کنند. ولی با بیرون کشیدن سلول‌های بنیادین از جنین، جنین از بین خواهد رفت. بعضی از حقوق‌دانان معتقدند که جنین نیز همانند شخص انسان دارای منزلت و کرامت است و متعاقباً طبق این رویکرد پژوهش سلول بنیادین جنینی، عامل قتل انسان محسوب می‌شود.^۵ ولی رویکرد دیگری وجود دارد که جنین را شخصی که بتواند طرف حق قرار

بگیرد محسوب نمی‌کند و متعاقباً طبق این دیدگاه از بین رفتن جنین برای پژوهش سلول بنیادین قتل انسان محسوب نمی‌شود. در بعضی از کشورها تنها انجام خطوط ویژه‌ای از این پژوهش‌ها مجاز است. مثلاً در ایالات متحده آمریکا بعضی از ایالات برای پژوهش سلول بنیادین بودجه تعیین کرده و بنابراین آن را مجاز دانسته‌اند همانند ایالات کالیفرنیا که در سال ۲۰۰۴ م، پیشبرد پژوهش‌های مربوط به سلول بنیادین را حق اساسی بشر دانست و قوانینی را در جهت تجویز انجام این پژوهش‌ها تصویب کرد.^۶ در حالی که ایالات دیگر پژوهش سلول بنیادین جنینی را در برخی شعب موجود مانند جنین‌های سقط شده، جنین‌های لقاح خارج رحمی و جنین‌های شبیه‌سازی شده منع کرده‌اند. بیشتر محدودیت‌ها بر شبیه‌سازی درمانی متمرکز شده است. هم‌اکنون حدود پنج ایالت در آمریکا شبیه‌سازی درمانی را منع کرده‌اند.^۷

بحث اصلی بر سر این مسأله است که آیا حق دسترسی به درمان برای خاتمه دادن بیماری‌ای که مرگبار است یک حق اساسی محسوب می‌شود یا نه؟ و متعاقباً پژوهش سلول بنیادین جنینی برای رسیدن به درمان بیماری مجاز است یا نه؟ در سال ۲۰۰۷ م، نظریهٔ دفاع از خود پزشکی برای مشروعیت بخشیدن به درمان از طریق سلول بنیادین ارائه شده است^۸ که بحث اصلی این پژوهش پیرامون این نظریه است.

تئوری دفاع از خود پزشکی

دفاع از خود یا دفاع مشروع مدت‌هاست که در اکثر قوانین کیفری دنیا به عنوان یکی از موارد موجههٔ جرم و مسئولیت کیفری شناخته شده است. دفاع از خود، به قربانیان اجازه می‌دهد تا در مقابل حمله‌کننده و متجاوز از دفاع مشروع استفاده

کنند هرچند این دفاع مرگبار باشد و به قتل متجاوز منجر شود و این مورد به دفاع در مقابل حمله‌کنندگانی که اخلاقاً مقصر و قابل مجازات هستند و یا حتی انسان‌ها محدود نشده است.^۱ بسیاری از مفسران معتقدند که دفاع از خود یک حق اساسی است زیرا نوعی تمدید «حق زندگی کردن» است و به خاطر همین در تمام نظام‌های کیفری شناخته شده است. نظریه دفاع از خود پزشکی بیان می‌کند که انسان باید قادر باشد تا از وسایل پزشکی برای دفاع از خودش در مقابل تهدیدهایی که از نظر پزشکی مرگبار هستند همانند سرطان‌ها و یا عیب و نقص ارگان‌های حیاتی استفاده کند. مسأله دفاع از خود پزشکی در مورد سقط جنین در قوانین بعضی از کشورها شناخته شده است به این صورت که در این کشورها سقط جنین تنها در مواردی مجاز است که وجود جنین و حاملگی تهدیدی اساسی برای زندگی یا سلامتی مادر محسوب می‌شود. تئوری پرداز این تئوری معتقد است که این شرایط در مورد دفاع از خود پزشکی در مسأله سلول بنیادین هم وجود دارد.^۲ دفاع از خود با استفاده از مراقبت پزشکی حتی هنگامی که اعمال این حق نیازمند تخریب منبع تهدید باشد، توصیف شده و به این دلیل چنین حقی برای استفاده از درمان‌های پزشکی نمی‌تواند به سقط جنین محدود شود. این مورد باید به انواع دیگر از خود توسعه یابد. در واقع دفاع از خود پزشکی در یک هسته اخلاقی با دفاع از خود سنتی مشترک است و این اشتراک به این صورت بیان می‌شود که «مردم باید آزاد باشند در مقابل آنچه زندگی‌شان را تهدید می‌کند، از خودشان دفاع کنند».

اعمال دفاع از خود پزشکی برای درمان سلول‌های بنیادین و پژوهش سلول‌های

بنیادین

با ادعای اعتبار دفاع از خود پزشکی اعمال این نظریه در حق دسترسی به درمان از طریق سلول بنیادین نسبتاً آسان است. برای این که دفاع از خود در مقابل بیماری قابل اجرا باشد اول باید بیماری را به عنوان یک مهاجم تصور کنیم و بعد دسترسی به درمان از طریق سلول بنیادین را به عنوان روشی برای جنگیدن با این مهاجم تلقی کنیم. بنابراین بیماران باید حق استفاده از درمان سلول بنیادین را داشته باشند حتی اگر این درمان‌ها به طور قطع مؤثر و یا ایمن نباشند به خاطر این که حقوق به مدرکی که اقدامات دفاع از خود را خاص و یا حتی به طور اجمالی موفقیت‌آمیز نشان دهد، نیازی ندارد. بنابراین اگر حق دسترسی به درمان از طریق سلول بنیادین را در چارچوب دفاع از خود قرار دهیم، این حق، حتی اساسی محسوب می‌شود.^۱ مع‌هذا درخواست دفاع از خود در مسأله سلول بنیادین با برخی محدودیت‌ها مواجه است. اول این که مجوز دفاع از خود به رفتارهایی که تهدید کننده و قریب‌الوقوع هستند محدود شده است؛ بنابراین حق استفاده از دفاع مشروع پزشکی به آن بیمارانی محدود شده که بیماری، تهدیدی بی‌واسطه است. یعنی تنها بیماران دارای بیماری مرگبار و تهدیدکننده جدی زندگی، حق استفاده از دفاع مشروع پزشکی را دارند.

دوم این که درمان‌های سلول بنیادین از دیگر اقدامات دفاع از خود پزشکی قابل تفکیک است زیرا جریان معالجات از طریق سلول بنیادین جنینی، جنین را از بین می‌برد، در حالی که در دفاع مشروع انسان مجاز نیست منبعی غیر از منبع تهدید را نابود کند. البته در مقابل گفته شده که صدمه به جنین حق اساسی دسترسی به

درمان بیمار آن را نقص نمی‌کند با اعتقاد به این که جنین موجود بالقوه ولی انسان موجودی بالفعل است.

مقتضیات خطر تهدیدکننده

بعضی مفسران معتقدند که جریان حق دسترسی به درمان‌های پزشکی بسیار گسترده و نامحدود است و قدرت نظم‌دهندگی و قانون‌گذاری دولت را از بین می‌برد و نمی‌توان هر نوع دسترسی به درمان را حق اساسی محسوب و آن را در چارچوب دفاع از خود گنجانند. تهدیدکننده بودن اعمال متجاوز در مسأله دفاع از خود پزشکی نیز حکم می‌کند که چنین دفاع از خودی باید برای جلوگیری از مرگ یا صدمه جدی ضروری و تنها راه چاره باشد. بیمار باید دارای بیماری پایان‌دهنده زندگی باشد، بیماری که نیازمند درمان و معالجه است ولی با درمان‌های سنتی، درمان نمی‌یابد و در واقع بیمار برای دفاع از خود در مقابل این متجاوز به تمامیت جسمانی، به درمان از طریق سلول بنیادین که تنها راه نجات است متوسل می‌شود.

صدمه به جنین

بحث دیگری که علیه اعمال دفاع از خود پزشکی در درمان از طریق سلول بنیادین شده این است که با اعمال دفاع از خود پزشکی توسط بیمار و جریان استخراج سلول بنیادین از جنین، زندگی جنین تهدید می‌شود در حالی که در دفاع از مشروع سنتی زندگی شخص ثالث تهدید نمی‌شود. اساس این تئوری بر این امر استوار است که اگر انسان آزاد است تا از خود در مقابل تجاوز به تمامیت جسمانی دفاع کند چرا نباید آزاد باشد تا بتواند از زندگی‌اش با استفاده از

درمان‌های پزشکی که نوعاً باعث قتل هم نمی‌شود همانند ترمیم اعضای پیوند زده شده و یا داروهای آزمایشی حمایت کند؟^{۱۱}

اگر کسی به شأن و منزلت اخلاقی جنین معتقد باشد و جنین را همانند انسان کامل قلمداد کند، بحث درمان سلول بنیادین از مساله دفاع مشروع خارج می‌شود زیرا جریان استخراج سلول بنیادین از جنین با قتل عمد جنین انجام می‌شود. این در حالی است که تئوری دفاع از خود پزشکی مدعی است: «حق دفاع از خود پزشکی همانند حقوق دیگر نباید منجر به صدمه‌زدن به زندگی، آزادی‌های عمومی بشر و یا اموال مردمی شود که هیچ کدام منبع تهدید و تجاوز نیستند».^{۱۲}

اگرچه موضوع شأن و منزلت اخلاقی جنین بسیار مباحثه‌انگیز است و در این مورد اختلاف نظر زیادی وجود دارد اما هم‌اکنون در بسیاری از کشورها جنین همانند انسان نمی‌تواند طرف حق قرار بگیرد. مثلاً دادگاه عالی آمریکا در موارد بسیاری عنوان کرده است که جنین، انسان محسوب نمی‌شود که بتواند طرف حق و تکلیف قرار گیرد.^{۱۳}

بنابراین نظر، جنین حق زندگی ندارد که این حق با استخراج سلول بنیادین مورد تجاوز قرار گرفته و نقض شود با تأملی دیگر حتی داشتن شأن و مقام اخلاقی مستلزم وجود حق اساسی زیستن نیست.

حمایت از پژوهش سلول بنیادین

قوانینی که حق انجام و پیشبرد سلول بنیادین را محدود می‌کنند،^{۱۴} حق اساسی بیماران دارای بیماری مهلک را نقض می‌کند زیرا مانع دسترسی آن‌ها به درمان از طریق سلول بنیادین می‌شود. پژوهش سلول بنیادین هنوز در مراحل اولیه است

بنابراین محدود کردن پژوهش محدود کردن درمان را در پی دارد. زیرا رابطه بسیار نزدیکی بین پژوهش و درمان است.

اگر ما حق اساسی بیمار را در دسترسی به درمان شناخته باشیم و بر پژوهش‌ها محدودیت بار کنیم تناقض به وجود آمده آشکار است زیرا بیمار حق استفاده از درمانی را که یک‌بار قبلاً ایجاد شده دارد اما هیچ کس حق انجام تحقیق و پژوهش برای ایجاد درمان را ندارد.^{۱۵} بنابراین محدود کردن پژوهش سلول بنیادین حق دسترسی به درمان سلول بنیادین را نقض می‌کند زیرا انجام پژوهش برای دستیابی به درمان ضروری است. همانند معاونت شخص سوم در مسأله دفاع از خود و همانند پزشکی که عمل سقط جنین را برای نجات جان مادری که سلامتی‌اش به واسطه حاملگی در خطر است، انجام می‌دهد. همان‌طور که در مورد نجات جان مادر کسی نمی‌تواند مانع سقط جنین این زن شود در مورد بیماران کسی نمی‌تواند مانع آن‌ها در دسترسی به درمان از طریق سلول بنیادین شود.^{۱۶} در واقع دانشمندی که پژوهش سلول بنیادین را اداره می‌کند، رهاکننده شخص ثالث محسوب می‌شود که برای حفظ زندگی افرادی که بیماری مهلک دارند تلاش می‌کند. تحت نظریه دفاع از خود پزشکی مسدود کردن تلاش‌های محققان مطابق قانون و ذات بشریت نیست.

ایرادی که در همین جا می‌توان به نظر اخیر وارد کرد این است که در مسأله دفاع مشروع سنتی اگر شخص ثالث اقدامات مؤثر و مفیدی در جهت ایمنی قربانی و دفاع از او در مقابل متجاوز انجام داده باشد ناقض حقوق کیفری شناخته نمی‌شود در حالی که در مورد درمان از طریق سلول بنیادین هیچ کس به مؤثر و ایمن بودن این درمان‌ها به طور قطع واقف نیست؛ بنابراین پزشک با به کارگیری درمان از طریق سلول بنیادین، رهاکننده و نجات دهنده شخص ثالث محسوب نمی‌شود. در

جواب گفته شده که در مسأله دفاع مشروع نیز اقدامات طرف لازم نیست به طور قطع موفقیت‌آمیز باشد در واقع پایه و اساس دفاع از خود بر فرض موفقیت بنا نهاده نشده است.^{۱۷} بنابراین با این قیاس، حق دفاع از خود پزشکی نیاز ندارد که درمان از طریق سلول بنیادین بهترین گزینه و یا حتی مکانیزم مؤثری در مقابله با بیماری بیماران باشد.

نقد نظریه درمان سلول بنیادین در چارچوب دفاع از خود پزشکی

دفاع از خود پزشکی را بیشتر تئوری پردازان تنها در مسأله سقط جنین جاری می‌دانند. در واقع دفاع از خود سنتی به موقعیت‌هایی منحصر می‌شود که شخص قربانی از خودش در برابر مرگ، صدمات جسمی جدی، آدم‌ربایی و یا رابطه جنسی به عنف و تهدید دفاع می‌کند و دفاع از خود پزشکی نیز تنها به مواردی منحصر می‌شود که حیات مادر در دوران حاملگی تهدید می‌شود؛ بنابراین تنها در مورد سقط جنین مصداق می‌یابد.^{۱۷}

دامنه این تهدید برای سلامت مادر بستگی به نظام حقوقی هر کشوری دارد. در کشورهایایی که موارد مجاز سقط، احصاء شده دامنه آن ممکن است بسیار محدود و یا وسیع باشد و شامل تهدید فیزیکی، احساسی و هیجانی، روان‌شناختی، وضعیت خاص فردی شامل وضعیت خانوادگی و سن شخص شود.^{۱۸} در واقع مسأله مهم رفاه زن و حق او در داشتن انتخاب درمان‌های پزشکی است.

اما تئوری دفاع از خود پزشکی در مسأله سلول بنیادین مدعی تعمیم و توسعه‌پذیری آن به مسائل دیگری علاوه بر سقط جنین است و استفاده از درمان‌های حافظ زندگی را حق اساسی نوع بشر می‌داند. اما در واقع سقط جنین از انواع درمان‌های دیگر قابل تفکیک است و قابل قیاس نیست زیرا مستلزم دو حق

اساسی زن است؛ حق آزادی تولید مثل و حق حفظ تمامیت جسمانی. نقدی که بر نظر اخیر وارد می‌کنند این است که حق زن برای انتخاب امور مربوط به تولید مثل زیربنای مشروعیت سقط جنین را در موارد تهدید زندگی، تشکیل نمی‌دهد. به خاطر این که بعد از تشکیل جنین و قابلیت زنده‌بودن او، زمان برای این انتخاب منقضی شده است. ولی در واقع منافع زن و حق او در استقلال و تمامیت جسمانی حتی بعد از این که جنین قابلیت زنده‌بودنش محرز است، بدون هیچ نقصی باقی می‌ماند. تمامیت جسمانی مستلزم دسترسی به درمان‌های پزشکی برای حمله به بیماری‌های درون بدن شخص است. حرکت بیماری تهدیدکننده بدن همانند حرکت جنین تهدیدکننده زندگی است.

نتیجه

نظریه دفاع از خود پزشکی از نظر تئوری و عملی بسیار قابل مناقشه است زیرا در بیان بسیاری از مسایل عمده و مهم نارساست. اولاً تشبیه دفاع مشروع پزشکی به دفاع مشروع سنتی در حقوق کیفری نادرست به نظر می‌رسد زیرا در دفاع مشروع سنتی نفس در مقابل نفس قرار می‌گیرد و انسان تنها در مقابل خطر قریب‌الوقوع و بی‌واسطه مجاز به دفاع از خود می‌شود که آن هم با شرایط مقرر در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی باید در دادگاه اثبات گردد و در این بین مجاز نمی‌باشد که به شخص دیگری که منبع تهدید محسوب نمی‌شود آسیب برساند ولیکن در مسأله پژوهش سلول بنیادین جنینی، حتی اگر بیماری را منبع تهدیدی بی‌واسطه تلقی کنیم برای از بین بردن آن نمی‌توانیم به شخص دیگری صدمه بزنیم. ثانیاً مسائل جامعه‌شناختی و اخلاقی این برداشت حائز تأمل فراوان است. ایجاد جنین و استفاده پزشکی از او و سپس از بین بردن او آیا مستلزم کنار گذاشتن اصول اخلاقی نیست؟ آیا مردم جامعه از آن پس برای موجودی به نام «جنین» ارزش و کرامت قائل می‌شوند؟ این مسأله در میزان تولید مثل و به تبع آن نرخ جمعیت و... تأثیری نخواهد داشت؟

بنابراین این قیاس، قیاسی مع‌الفارق بوده و حتی اگر دفاع از خودی از نظر پزشکی قابل تصور باشد تنها در موارد مجاز سقط جنین در جایی که وجود جنین و یا حاملگی برای مادر تهدیدی اساسی محسوب شود قابل تصور است و تعمیم آن به سایر موارد نیازمند علت است که در این مسأله موجود نیست. هرچند کسی در حق بشر در دسترسی به درمان‌های پزشکی شکی ندارد و پژوهش مقدمه درمان محسوب می‌شود و پژوهش سلول‌های بنیادین جنینی نیز باید به عنوان پیشرفت

حیرت‌انگیز عرصه پزشکی مورد حمایت قرار گیرد اما این حق را باید در چارچوب ویژه‌ای قرار داد و پیشبرد پژوهش‌ها برای رسیدن به درمان از طریق سلول بنیادین را در قالب‌های حقوقی دیگری جستجو نمود.

پی‌نوشت‌ها

1. Nat'l Bioethics Advisory comm'n, Ethical Issues in human stem cell research: VOLUME I, at 50(1999), at www.bioethics.gov
2. Molly silfon, How will California's Funding at stem cell Research Impact Innovation? Recommendation for an Intellectual Property, 18 HARV. J.L. & TECH. 459(2005)
- ۳- ارکانزاس، ایندیانا، میشیگان، داکوتای شمالی، داکوتای جنوبی.
4. Eugene volokh, Medical self-Defense, Prohibited Experimental Therapies, and Payment for Organs, 120 HARV. L. REV. 1813(2007)
5. Ibid, at 1817
6. Russel Korobkin with Stephen R. Munzer, stem cell Century .81(2007)
7. Michael Belinger, The Constitutional Right to Tharapeutic Cloning, 7 J.M. ED. & L. 37, 41-42(2002)
8. Volokh. Id, at 1818
9. Id, at 1821
10. Roe Vwade, 410 U.S. 113, 158(1973), Davis V. Davis, 842 S. W. 2d 588, 595(1992)
11. S.D. CODIFIED LAWS & 34-14-18(2008)
12. John A. Robertson, Embryo Culture and the " Culture of Life": constitutional Issues in the Embryonic stem cell Debate, 2006 U. CHI. LEGAL F. 1, 7
13. Korobkin. Id, at 81-82
14. W. page keeton ETAL., Prosser Keeton on The. Law of Tort 382(5th ed. 1984)
15. O. Carter Snead, Unenumerated Rights and the limits of Analogy: A Critique of the Right to Medical Self-Defence, 121 HARV. L. REV. F. 1, 2-4(2007), <http://www.harvard lawreview.org>
16. B Jessie Hill, the Constitutional Right to make Medical Treatment Decisions: A Tale of two Doctrines, 86 TEX. L. REV. 277, 279(2007)
17. Snead, Id, at 3
18. Volokh, Id, at 182

فهرست منابع

- B. Jessie Hill. (2007). *The Constitutional Right to make Medical Treatment Decisions: A Tale of Two Doctrines*, 86 TEX. L. REV.
- David M. (2006). *Panchision, Repairing the Nervous system with stem cell, in Regenerative Medicine 35*, Dep't of Health Human Servs. ed, Eugene Volokh. (2007). *Medical self-Defense, Prohibited Experimental Therapies, and Payment for Organs*, 120 HARV. L. REV.

- Gina Kolata.(2007). *Scientists Bypass Need for Embryo to Get Stem Cells*, N.Y.TIMES,NOV.21,www.nytimes.com
- John.A.Robertson. (2006). *Embryo Culture and the "Cultur of life": Constitutional Issues in the Embryonic Stem Cell Debate*.
- M.Hicks, Kristin. (2008) *Embryonic Stem cells Research and the Theory of Medical Self-Defence*, Harvard Journal of law and Technology, VOLUME 21.
- Michael Bellinger. (2002). *The Constitutional Right to Therapeutic Cloning*, 7 J.MED.& L.
- Molly Silfen. (2005) *How Will California' s Funding of Stem Cell Research Impact Property Policy*,18 HARV.J.L.& TECH.
- Nat' l Academies, Understanding Stem Cells .(2006). <http://dels.nas.edu>.
- Nat' l Bioethics Advisory Comm'n. (1999). *Ethical Issues in Human Cell Research: VOLUME I*,www.bioethics.gov
- O.Carter Snead, *Unenumerated Rights and the Limits of Analogy: A Critique of the Right to Medical Self-Defence*, 127 HARV.L.REV.F.(2007).<http://www.harvardlawreview.org>
- R.Munzer, Stephen. (2007). *Human- Nonhuman Chimeras In Embryonic Stem Cell Research*,Harvard Journal of Law and Technology, VOLUME 21.
- Russel Korobkin With Stephen R.Munzer, *Stem Cell Century*.(2008). *S.D.CIFIED LAWS*.
- W.Page Keeton ET AL. (1984).*Prosser and Keeton On The LAW of Tort*.

یادداشت شناسه مؤلف

فاطمه طاهرخانی: کارشناس ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع)

نشانی الکترونیکی: fatemeh_law@yahoo.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۷/۴/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۶/۲۳